

بررسی الگوی نظام بانکداری تعاونی بر اساس اصول حاکمیت شرکتی و مفاهیم تعاون

مهرزاد علیجانی*

رئیس دایره ارزیابی عملکرد واحدهای اجرائی بانک توسعه تعاون

m.alijani@ttbank.ir

نیلوفر شافعیان

دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی-بازاریابی، دانشگاه آزاد شهر قدس

چکیده:

بررسی الگوی نظام بانکداری تعاونی بر اساس اصول حاکمیت شرکتی و مفاهیم تعاون مطابق با اصول مالکیت مشاع، همراه با معرفی ساختاری مناسب منطبق با اصول و موازین بانکداری اسلامی و با توجه به ماهیت بانکداری تعاونی مطرح می‌گردد. بنابراین ارتباطی مشترک بین حاکمیت شرکتی، شرکت‌داری بانکها و بانکداری تعاونی با استفاده از مفاهیم اصیل و ناب تعاون ایجاد می‌شود که رهیافتی نوین در به ثمر رساندن اهداف بخش تعاون در اقتصاد و تقسیم عادلانه ثروت از طریق آن خواهد بود و تحول بنیادین در بخش تعاون و بانکداری تعاونی و به دنبال آن رونق اقتصادی در جهت خروج غیر تومی از رکود ایجاد خواهد شد که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت. همچنین بهره‌مندی از اصول حاکمیت شرکتی و تلفیق آن با مفاهیم ناب تعاون می‌تواند منجر به رونق کسب و کار در صنعت بانکداری تعاونی شود که با توجه به تضمین بازده و پوشش ریسک سرمایه‌گذاران و تجهیزکنندگان منابع سیستم بانکی توسط ساختار ایجاد شده منجر به جذابیت سرمایه‌گذاری خواهد شد که در این مقاله به معرفی ساختار اولیه آن خواهیم پرداخت. همچنین خاصیت ایجاد رکود از طریق شرکت‌داری بانکها به تبع آن بلوکه کردن منابع و ضعف تجهیز منابع در سایر بخش‌های مختلف اقتصادی با بهره‌گیری از مفاهیم نوین بانکداری شرکتی همراه با اصول حاکمیت شرکتی موضوع مورد چالشی است که می‌تواند در تعیین راهبرد بانکداری تعاونی حائز اهمیت باشد و توجیه مناسب رونق کسب و کار مبتنی بر تولید و مالکیت مشاع را فراهم سازد.

کلید واژه: بانکداری تعاونی، شرکت‌داری بانکها، حاکمیت شرکتی، مالکیت مشاع.

۱- مقدمه:

در بازارهای رقابتی تعداد زیادی تولیدکننده و مصرف‌کننده بر سر یک یا چند کالای خاص به داد و ستد می‌پردازند و سهم هر بنگاه از تولید کالاها مشخص بوده و هیچ واحد تولیدی نمی‌تواند به تنهایی و به صورت مستقیم روی قیمت بازار تأثیر معنادار داشته باشد (کیمبرلی و کراپ، ۱۳۸۵). از این رو بازارهای رقابتی به دور از همکاری در راستای تأمین منافع یکدیگر، رفتاری سودجویانه در جهت منافع خود دارند. از طرف دیگر پایه و اساس تعاون که از لحاظ لغوی از ریشه‌ی عون و در باب تفاعل به معنای همکاری آمده و هم‌سان با واژه **Cooperation** در زبان انگلیسی به کار گرفته شده و واژه‌هایی که از این لغت مشتق می‌شوند، شامل **Cooperative** به معنی شرکت تعاونی، **Corporatism** به معنی مکتب تعاون می‌باشند (نامغ، ۱۳۷۷)، که دربرگیرنده عضویت داوطلبانه و آزاد، نظارت دموکراتیک اعضا، مشارکت اقتصادی، استقلال و عدم وابستگی، آموزش، تربیت و اطلاع‌رسانی، تعاون بین تعاونی‌ها، توجه ویژه به جامعه است. بنابراین می‌توان ادعا نمود ایده آل‌ترین حالت رقابت اقتصادی با در نظر داشتن جمیع شرایط در روح تعاون نهفته است (دیویس، ۱۳۸۵). واژه همکاری را نخستین بار رابرت اوون^۱ انگلیسی در مقابل واژه رقابت به کار برد. (Hess

(Chak, 2007) سپس صاحب نظران و محققان اجتماعی این کلمه را با مفاهیم و کارکردهای متفاوتی به کار بستند، تا جایی که مقوله نهضت همکاری و حتی همکاری گرایبی در نظریه های اقتصادی، اجتماعی جایگاه ویژه ای یافتند. واژه همکاری و رقابت هم در راستای تقابل هم در جهت تکامل یکدیگر در راستای نیل به اهداف مشترک می توانند منجر به سود دوطرفه گردد (Chiaramonte & Poli, 2015). با هدف تشریح نظام بانکداری تعاونی و ارتباط آن با اصول حاکمیت شرکتی، ابتدا به تشریح مفهوم تعاونی که از مفاهیم ناب همکاری و تعامل استخراج شده است، خواهیم پرداخت.

تعاونی، اجتماعی مستقل از اشخاص است که به منظور تأمین نیازها و اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی خود، از طریق اداره و نظارت دموکراتیک مؤسسه ای با مالکیت مشاع که با یکدیگر به نحوه اختیاری توافق نموده اند، تشکیل می شود (رستمی شهر بابکی، ۱۳۸۸). ممکن است مالکیت یک شخص نسبت به بخشی از دارایی خود به صورت اختصاصی (بدون شراکت دیگری) و نسبت به بخشی دیگر به صورت مشاع (با شراکت دیگری) باشد (نظام شهیدی و علیزاده، ۱۳۷۸). ساختار شرکتهای تعاونی بر ارزشهایی چون خودیاری، دموکراسی، برابری، عدالت و همبستگی و از نظر تملیک دارائی ها بر اساس مالکیت مشاع بنا شده است (مستعانی، ۱۳۷۸). اعضای تعاونی به ارزشهای اخلاقی نظیر صداقت، آزاد اندیشی، مسئولیت پذیری و احترام رأی پای بند هستند و اتکا به مردم با سازو کارهای مناسب و مشارکت مردمی در کنار مدیریت دموکراتیک شالوده و روح اصلی بخش اقتصادی تعاون را تشکیل می دهد. با توجه به ماهیت بخش تعاون، بهترین نحوه واگذاری اموال دولتی در قالب اصل ۴۴ قانون اساسی و بهره مندی همگان از اموال متعلق به دولت به همراه مدیریت مردمی می تواند، در قالب تعاونی صورت پذیرد. بنابراین بانکداری تعاونی می تواند مجرای اقتصادی و تامین مالی تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی باشد، که با توجه به وضعیت اقتصادی منفعل کشور بسیار حائز اهمیت خواهد بود (Stagar, 2003).

بانکداری تعاونی می تواند بعنوان نهاد تامین مالی و واسطه ای بخش تعاون و تعدیل کننده فرآیند شرکت داری بانکها و بانکداری شرکتی مطابق با اصول حاکمیت شرکتی در جهت بهبود روند رشد اقتصادی و دستیابی به اهداف کلان اقتصادی تعریف شود (Groeneveld, 2011). در شرکت داری بانکها چند شرکت در مالکیت بانک بوده و اعمال مدیریت و تامین مالی آنها توسط بانک صورت می پذیرد و در بانکداری شرکتی شرکتها در مالکیت بانک نیستند و اعمال مدیریت آنها از جانب بانک انجام نخواهد شد بنابراین فصل مشترک آنها تجهیز و تامین مالی شرکتها توسط بانک می تواند باشد و تفاوت آنها در اعمال مدیریت و مالکیت شرکت است (داوری ۱۳۹۰). اگر نوع مالکیت به نحوه ای تعریف شود که بر اساس آن بتوان رابطه دوسویه تدوین نمود می توان به بانکداری تعاونی و مالکیت مشاع مشتری و بانک در نوع تملیک رسید و از آن بعنوان یک فصل مشترک نام برد (بت شکن، ۱۳۹۰). به منظور بررسی بانکداری تعاونی در ادامه مقدماتی از بانکداری شرکتی و خرد به همراه شرکت داری بانکها بیان می شود.

تحول نظام های اقتصادی و در راس آنها بانکداری در دهه هشتاد ضرورت توجه بیشتر به خواسته های مشتریان و تفکیک بانکداری خرد از بانکداری شرکتی بوده است. در نیمه دوم دهه نود میلادی آشکار گردید که در صنعت بانکداری، مشتری گرایی واقعی تنها از طریق تفاوت قائل شدن میان مشتریان کوچک و بزرگ حاصل می شود. در آن سالها بانکداری شرکتی تنها به تعداد کمی از شرکت های بسیار بزرگ محدود می شد و به مشتریان شرکتی متوسط تعمیم داده نمی شد (محمودی، ۱۳۸۷). در ادامه تحول نظام بانکداری با رویکرد ساختار جدید با هدف افزایش درآمدها مطابق با خواست مشتریان معرفی شد و فعالیت آن در پنج حوزه تقسیم بندی گردید (شیخی، ۱۳۸۲ و کیمبرلی، ۱۳۸۵). این حوزه ها شامل مشتریان خرد و خصوصی، بانکداری شرکتی، املاک و مستغلاتی است که بیشتر در ارتباط با بنگاه های کوچک و متوسط می باشند. بانک قصد دارد نقش پزشک خانوادگی این شرکت ها را در امور مالی آنها ایفا نماید (Lang & Welzel, 1996). با ادامه تحولات پیش روی صنعت بانکداری حوزه فعالیت بانکداری شرکتی به سه بخش اصلی تقسیم شده است و این سه بخش شامل حوزه های مدیریت دارایی، مشتریان خصوصی و بخش سرمایه گذاریهای شرکتی بین المللی می باشند (Basel, 2010). بر اساس این سیر تحول در بانکداری آنچه در این نوشتار حائز اهمیت مضاعف است نوع ارتباط مالی و مالکیت به همراه اعمال مدیریت بانک و شرکتها در بانکداری شرکتی می باشد که رهیافتی نوین در صنعت بانکداری و هدایت به سمت بانکداری تعاونی است. در ادامه به پدیده رایج بنگاه داری بانکها که می تواند به عنوان مصداقی از آن محسوب شود، خواهیم پرداخت (هفرنان، ۱۳۸۲).

بنگاه داری بانکها در شرایط تورمی به منظور کسب عایدی بیشتر با توجه به فاصله نرخ سود تسهیلات از نرخ تورم، رایج شده است. از این رو منابع بانکها با ارائه روش های مختلف و بیشتر از محل سپرده های مردمی تجهیز شده و تخصیص آنها نیز در شرکتهای اقماری زیرمجموعه خودشان صورت می پذیرد (پوررشیدی و اسدی، ۱۳۹۲). طبق قوانین بانک مرکزی نسبت سرمایه گذاری های بانکهای داخل کشور به سرمایه پایه آنها برابر با ۴۰ درصد باید باشد اما مانده سرمایه گذاری بانک ها و موسسات اعتباری در سهام شرکت ها نشان می دهد که در اسفند ماه سال ۱۳۹۲، نسبت فوق به طور متوسط معادل ۵۱ درصد بوده است که ۱۱ درصد از حد تعیین شده بیشتر می باشد. حال چالش پیش رو و مطرح در این نوشتار ارائه مدلی از واسطه گری مالی با حفظ اصول مالکیت مشاع در قالب بانکداری تعاونی بر اساس الگوی واقعی بانکداری اسلامی با انتظار بهینه سازی نهاد های واسطه گر مالی دور از خاصیت تورم زایی و به منظور خروج از رکود تورمی اقتصادی است. بر اساس مفاد قانون سیاستهای کلی اصل ۴۴ واگذاری شرکتهای دولتی بر اساس نسبتها و سهم های مندرج در قانون و توسعه بخش تعاون گواه روشنی بر شناسایی نوع ارتباط بخش تعاون و با نهاد های واسطه گر مالی مانند بانکها است. زیرا نهادهای واسطه ای تامین مالی مانند بانکها نیز می توانند بخشی از این واگذاری باشند و یا حتی سایر شرکتهای دولتی می توانند در قالب شرکتهای مادر تخصصی تعاونی

واگذار شوند که اهمیت چالش پیش رو را بیشتر نمایان تر می سازد (کرمی و علی بیگی، ۱۳۹۲). از این رو ارائه ساختار بانکداری تعاونی بیش از پیش ضروری به نظر می رسد. در این پژوهش ساختار کلی با نظام بانکداری تعاونی مورد توجه قرار گرفته است.

همانطوری که قبلاً ذکر شد موضوع مورد بحث در این نوشتار بر اساس ارائه ساختاری نو در عرصه بانکداری و سیاستهای کلان بانکی در نحوه مالکیت شرکتهای اقماری و واسطه گری خدمات مالی جدید بوده و انتظار می رود تحقیقات موردی پس از تائید صحت نتایج مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. از جمله تحقیقات صورت پذیرفته در حوزه بانکداری تعاونی (Gupta & Jain, 2012), (Clerides & Manthos, 2015) و در حوزه بانکداری شرکتی (اچ اس بی سی بانک، ۲۰۱۲) و در حوزه بازاریابی بانکی و رقابت آنها در زمینه بانکداری تعاونی (Fiordelisia & Salvator, 2013) را می توان ذکر نمود که در تمامی آنها الگوی بانکداری تعاونی بر اساس مشارکت و مفاهیم ناب تعاون مطابق با ساختار اسلامی داخل نمی باشند. زیرا اصول بانکداری در آن کشورها متفاوت با ماهیت ضد ربوی بانکداری اسلامی در ایران است. بنابراین ضرورت مورد بحث در پژوهش حاضر بر اساس پیشینه مذکور در استفاده از ساختاری مناسب به منظور بهینه سازی فرآیند بانکداری مطابق با اصول بخش اقتصادی تعاون و هم راستا با توسعه پایدار اقتصادی است که در ادامه بیشتر به آن خواهیم پرداخت. بنابراین ضرورت پژوهش حاضر در راستای معرفی ساختار بانکداری تعاونی ایجاب می نماید که در ادامه در بخش دوم شرکت داری بانکها و خاصیت تورم زایی آنها مورد بحث قرار گرفته شود. بانکداری شرکتی و بانکداری تعاونی به همراه مباحث مربوطه به اختصار در بخش بعد از آن مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت و پس از آن شرکت داری بانکها و بانکداری شرکتی به همراه پیشنهاد الگوی مؤثر در سیستم بانکداری ایران به عنوان نتیجه به دست آمده از این پژوهش ارائه خواهند شد.

۲- شرکت داری بانکها و خاصیت تورم زایی آنها

امروزه در نظام بانکی کشور شاهد پدیده خطرناک و تورم زایی تحت عنوان شرکت داری بانکها می باشیم که در آن بانکها منابع خود را به خرید شرکت و سرمایه گذاری در بورسهای واسطه ای همچون بازار مسکن اختصاص می دهند و به کسب و کارهای متنوع و سود جویانه روی آورده اند (آزاد ارمکی، مبارکی و شهبازی، ۱۳۹۱). این پدیده در دولت نهم و دهم با تسویه بخشی از بدهی دولت به بانک ها از طریق واگذاری شرکتهای دولتی به آنها و شکستن آیین نامه سرمایه گذاری بانکها تشدید شد و بسیاری از بانکها از ماهیت واسطه گری و سرمایه گذاری غیر مستقیم کوتاه مدت و بلند مدت بنگاه های اقتصادی دور شده و به سرمایه گذاری مستقیم خارج از ضوابط آیین نامه ای برای شرکتهای تابعه خود تبدیل شدند (ابونوری و سجادی، ۱۳۹۲). فلسفه محدودیت بانکها در امر سرمایه گذاری به نقش واسطه گری و کارآمدی بهینه تر سیستم اقتصادی به دور از خاصیت تورم زایی آنها مربوط است در واقع مردم ضمن دریافت سود از سپرده هایشان باید از حفظ منابع خود در بانک ها و نحوه استفاده بانکها از آنها مطمئن باشند تا پس انداز ملی در راستای

رونق اقتصادی ایجاد شود (نوری بروجردی، جلیلی و مردانی، ۱۳۹۰). در این راستا مقررات مدیریت ریسک، در جهان بصورتی دقیق و سخت گیرانه برقرار شده است. این مقررات انواع ریسک، از جمله ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی بانکها را اندازه گیری و ترتیبی را اتخاذ می نمایند که مجموع ریسکهای هر بانک با سرمایه بانک که آورده سهامداران است، قابل پوشش باشد و از انتقال هرگونه ریسک به پس انداز مردم جلوگیری شود.

ماده سه دستورالعمل سرمایه گذاری بانکها، مصوب ۸۶/۱/۱۸ شورای پول و اعتبار، حداکثر سرمایه گذاری بانک را چهل درصد سرمایه پایه بانک، تعیین کرده است. اما این آئین نامه با واگذاری شرکتهای دولتی به منظور تسویه برخی از بدهی های دولت در سنوات قبل به بانکها با چالش جدی مواجه شده است. شرکت داری به معنای اعمال مدیریت در شرکتهای سرمایه پذیر نیز، بجز در موارد خاص، ممنوع است و بانکها، حتی از محل سرمایه خود مجاز به خرید بیش از بیست درصد سهام شرکتهای سرمایه پذیر نمی باشند. بطور مسلم بانکها به منظور سرمایه گذاری تشکیل نشده اند و نظام ساختاری آنها در این راستا نیست و ورود آنها به این عرصه، موجب نابهره وری منابع مالی خواهد شد. بانک های ایران نیز بایستی از شرکت داری خارج شده و منابع در اختیار خود را بصورت تسهیلات به شرکتهای فعال در اقتصاد واقعی ارائه کنند و تضامین کافی از آنها دریافت کنند تا منابع آنها که سپرده های مردم است با کمترین خطر روبرو شود. بانکها با توجه به قدرت تجزیه و تحلیل مالی در کنترل ریسکهای مختلف باید نقش مشاوره ای برای شرکتهای هدف داشته باشند. از اینرو بصورت مشاع منافع سپرده گذاران و شرکتهای در هم ادغام شده و لذا بحث مالکیت مشاع مطرح خواهد شد (سیلواراجو، ۱۳۸۴). بنابراین می توان مدلی بر اساس اصول تعاون بین بانک و شرکت در نظر گرفت (نظام شهیدی، ۱۳۸۰). با توجه به اینکه بخش عمده ای از منابع بانکها صرف سرمایه گذاری مستقیم و اعمال مدیریت و شرکت داری اغلب بنگاههای بزرگ کشور می شود و این درحالی است که از ابتدا هدف تاسیس بانکها، تبدیل شدن به هلدینگ های سرمایه گذاری نبوده و تخصیص منابع برای شرکتهای اقماری زیرمجموعه بانکها و سرمایه گذاری در پرتفوی رنگارنگ و متنوع آنها نقشی مخرب و تورم زا در اقتصاد خواهد داشت. در ادامه به چگونگی تشدید تورم با استفاده از این فرآیند خواهیم پرداخت.

۲-۱- چگونگی تشدید تورم همزمان با افزایش درآمدهای ثابت

کاهش درآمد در پی افزایش مداوم هزینه با وجود درآمدهای ثابت (مانند درآمد ثابت نفتی) و در ادامه ثابت نگه داشتن هزینه انرژی و افزایش تولید بدون صرفه جویی در مصرف انرژی در زمانهای مختلف منجر به تشدید فزاینده رکود تورمی^۲ در کشور می شود. از این رو با احتساب افزایش درآمدهای نفتی، این درآمدها صرفاً منجر به تولید بهینه نمی شود و مدام تولید با صرف انرژی بیشتر با استهلاک و عدم بروزرسانی

^۲ رکود تورمی زمانی در اقتصاد ایجاد می شود که نرخ رشد اقتصادی یک سرزمین در مسیر کاهش قرار گیرد و همزمان با آن نرخ تورم افزایش یابد.

تجهیزات پایه مواجه خواهد شد. بنابراین تولید نه تنها منجر به افزایش درآمد نمی شود بلکه با ایجاد تکانه های اقتصادی همچون تحریم ها و کاهش صادرات نفتی به شدت آسیب پذیر شده و در مدت زمان کوتاهی توجیه اقتصادی خود را از دست خواهند داد. در چنین شرایطی سود واقعی تنها عاید واسطه های مالی که به نحو مستقیم در تولید دخیل نمی باشند خواهد شد. بنابراین شرکتهای اقماری بانکها که بیشتر در حوزه های پرسود سرمایه گذاری می کنند ناخود آگاه با ورود به بخش های غیر مولد به شیوع اثرات مخرب تورم و رکود دامن می زنند. با این وجود همزمان با ایجاد فشار های اقتصادی و کاهش درصد بالایی از صادرات نفتی سطح درآمد خانوارها به شدت افت خواهد کرد و در نتیجه قدرت پس انداز آنها پایین آمده و سرمایه گذاری در کالاهای مختلف دچار رکود خواهد شد. در ادامه این سرمایه گذاری در مراحل بعد بر تقاضای کالاهای بادوام دیگر ظاهر می شود و در مرحله انتهایی این اثر به کالاهای مصرفی کم دوام هم سرایت می کند. کاهش پس انداز، منجر به کاهش سرمایه گذاری و انتقال رکود به آینده خواهد شد. بنابراین از مسیر درآمد قابل اکتساب خانوارها همزمان با کاهش سودآوری بنگاه های اقتصادی تولیدی، پس انداز و تقاضای کل کاهش می یابد که در نتیجه آن رکود به دوره های بعدی منتقل شده و با انتقال رکود به دوره های بعد، با افزایش درآمد ملی و کاهش درآمد خانوار و همزمان با افزایش هزینه تولید، کاهش قدرت خرید رخ خواهد داد (بت شکن، ۱۳۹۰). لذا نیاز به تغییر در ماهیت شرکتهای اقماری بانکها و موسسات مالی و تعیین سازو کارهای تحمیلی بر آنها مطابق با اصول سیاستهای کلان اقتصادی کاملاً بدیهی است. در ادامه بانکداری شرکتی با معرفی اصول اولیه و بصورت خلاصه و به منظور انسجام مطالب مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۳- بانکداری شرکتی

با توجه به ماهیت بحث سودآوری در بانک و جذب منابع ارزان قیمت، بهینه سازی راهکارهای کسب سود، بهترین و کم هزینه ترین راه افزایش درآمد و به تبع آن افزایش بهره وری و رضایت مشتریان از نکات بسیار پر اهمیت است. مطابق با الگوهای مدرن بانکداری در بانکهای بین المللی مانند مرلینچ، سیتی گروپ و اچ اس بی سی و توجه خاص به نیازهای مشتریان حقوقی در قالب بانکداری شرکتی می تواند بسیار حائز اهمیت باشد (پوررشیدی و اسدی، ۱۳۹۲). بانکداری شرکتی، ارائه بهترین، سریع ترین و دقیق ترین روش ممکن خدمت به مشتریان حقوقی است و به وسیله آن بانک منابع بیشتری را نیز جذب خواهد کرد. خدمات بانکداری شرکتی در اکثر بانکها به شرکتها به روشهای مختلف ارائه می شوند و عمدتاً طیف گسترده ای از نیازهای آنان، اعم از الزامات اولیه شرکتی، تسهیلات اعتباری سرمایه در گردش، تأمین مالی مبتنی بر دارایی، تأمین مالی تجهیزات و تأمین مالی موجودی را در بر می گیرد. در دهه اخیر با ورود بانکهای خصوصی و خصوصی سازی برخی از بانکهای دولتی کشور، ضرورت توجه به روشهای نوین ارائه خدمات بانکی در جهت حفظ و یا توسعه سهم بانکها در بازار احساس می شود. با توجه به اینکه در حال حاضر بیش

از ۳۰ بانک و مؤسسه مالی در کشور فعال هستند، توجه به جذب مشتریان حقوقی از نقطه نظر رقابت پذیری بسیار حائز اهمیت است. آنچه بیش از پیش و بر اساس مباحث مندرج در این پژوهش اهمیت می یابد این است که چالش مورد بحث در صنعت بانکداری پیرامون تقسیم عادلانه سود و عایدی بین مشتریان حقیقی و حقوقی بر اساس اصول حاکمیت شرکتی است که به نحو صحیح صورت نمی پذیرد. بنابراین یکی از راهکارهای مورد بحث می تواند بر اساس ماهیت بخش تعاون و بانکداری تعاونی مطرح گردد. بر این اساس در ادامه به تشریح مسائل در خصوص تعاون و بانکداری تعاونی خواهیم پرداخت.

۴- تعاون و بانکداری تعاونی

تعاون به مفهوم خاص، به نوع مشخصی از کارکردن با یکدیگر اشاره دارد که از طریق تشکیل سازمان رسمی و به کارگیری روش‌های مدیریتی خاص، دسترسی به اهداف مشترک را امکان‌پذیر می‌سازد. تعاون در مفهوم عام، اشاره به همکاری، مساعدت، یاریگری، رعایت منافع جمعی، دستگیری از دیگران دارد و به زبان ساده مدد رساندن به یکدیگر در جهت برطرف نمودن نیاز مشترک است (نظام شهیدی، ۱۳۸۰). هنگامی که فردی نتواند به تنهایی کار یا فعالیت زندگی را انجام دهد، راه درست آن است که از دیگران کمک گیرد تا آن کار را به صورت دسته جمعی انجام دهند. این شیوه کار را تعاون می‌گویند (زارع، ۱۳۹۰). تعاون یکی از راههای شناخته شده برای حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی زندگی است، چرا که با کار گروهی و مشورت، مشکلات و مسایل انسان راحت تر حل خواهند شد. در مکتب اسلام تعاون و تأمین نیازهای اجتماعی اقشار محروم و نیازمند جامعه به عنوان یکی از ضرورت های تفکر دموکراسی مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در قرآن کریم و احادیث بزرگان دینی ضمن تأکید بر همکاری، دیگر یاری، و سعی در رفع مشکلات اجتماعی، اقتصادی و... فقر، محرومان و نیازمندان جامعه، به مبانی، اصول و فلسفه تعاون نیز اشاره شده است که تعلق اموال به جامعه، اعتقاد به حق همه افراد در ثروت های طبیعی، برادری و اخوت اسلامی و مشارکت فقراء در اموال اغنیاء از آن جمله می باشند.

در فرهنگ کهن ایران که از قدیم با تعالیم دین مبین اسلام عجین است، برای تعاون و همکاری ارزش والایی قایل شده است. تعاون به عنوان بخشی بالقوه، توانمند، نقش آفرین و یکی از مهم ترین بخشهای اقتصادی کشور توان برآوردن نیازهای افراد دارای اندیشه و باور کار گروهی را دارد (پاتنام، ۱۳۷۷). در تعاونیها عضو با اطمینان به گروه می پیوندد و تکیه می کند تا سرشار از پتانسیل کارآمد، خلاقیتهای خود را شکوفا سازد. بر اساس توضیحات فوق با توجه به ماهیت بخش تعاون می توان با تاسیس بانک مدل جدیدی از بانکداری را ارائه نمود. همانگونه که بانکها به مردم تسهیلات می دهند به همان صورت با کسر هزینه از مردم در قالب سرمایه گذار تعاونی تسهیلات دریافت کنند. این تسهیلات در قالب جذب منابع مطرح می گردد. استفاده از مدل بانکداری تعاونی می تواند در رونق بانکداری نوین و در راستای نیل به کاهش شکاف

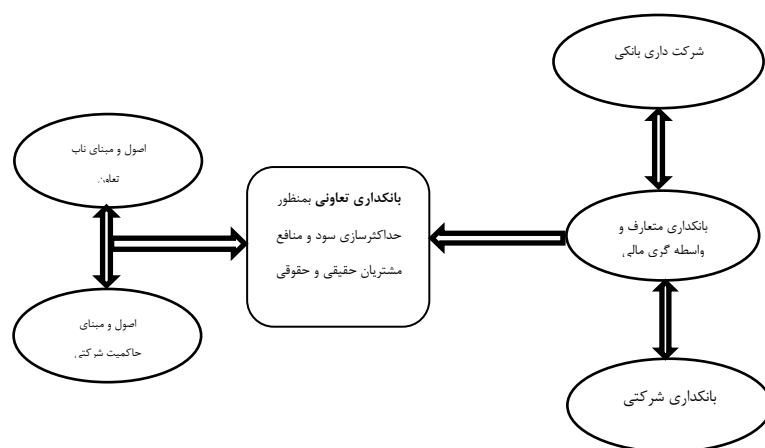
طبقاتی به صورت مستقیم تاثیر گذار باشد که دقیقاً همسو با اهداف از پیش تعیین شده بخش تعاون است. این الگوی بانکداری بر اساس مالکیت مشاع و تعامل سازنده بین مشتریان و بانک تعریف می شود و مشارکت در سود و زیان حاصل از فعالیتهای بانکداری بین بانک و مشتریان به صورت واقعی انجام می شود که همتراز با مفاهیم و مبانی ناب تعاون می تواند منجر به رونق فزاینده اقتصادی گردد (رستمی، ۱۳۸۸).

۴- بانکداری تعاونی بر آئیند شرکت داری بانکها و بانکداری شرکتی بر اساس اصول حاکمیت شرکتی

بحث حاکمیت شرکتی از سال ۱۹۹۰ میلادی در پاسخ به مشکلات ناشی از عدم اثربخشی هیأت مدیره در عملکرد شرکت های بزرگ مطرح شد و به سرعت به سایر بخش ها و سیستم های مالی مانند بانکداری سرایت نمود. حاکمیت شرکتی را مجموعه روابط میان هیأت مدیره، مدیریت، سهامداران و تمام ذینفعان از جمله کارکنان تعریف کرده اند که تأمین کننده منافع تمامی اشخاص ذینفع باشد (Fiordelisia, 2013). حاکمیت شرکتی، تعیین کننده ساختاری است که توسط آن اهداف سازمان تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می شود. چهار رکن بنیادین حاکمیت شرکتی مشتمل بر انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت پذیری فراتر از مرزهای متنوع فرهنگی، حقوقی، اقتصادی کشورها مطرح است. این چارچوب ها در ساختار حاکمیت شرکتی سیستم های بانکی معادل نظام بانکداری تعاونی است که علاوه بر موارد یادشده، رکن مهم آن مطابقت با قوانین بخش تعاون است (Clerides, 2015). بحران مالی ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ شرق آسیا که بازارهای مالی و اقتصادی کشورهای عمده آسیایی را دربرگرفت، تنها به خاطر مدیریت غلط اقتصاد کلان یا ضعف ساختارهای اقتصادی یا شوک های شدید اقتصادی نبود، بلکه از دیدگاه کلان، عامل اصلی این بحران متأثر از ضعف حاکمیت شرکتی در میان شرکت ها و مؤسسات پولی و مالی بوده است. در بحران آسیا هنگامی ریسک سیستماتیک و مخاطرات تشدید شدند که بانک ها تحت تأثیر تحولات سیاسی قرار گرفتند و ضعف مشهود آنها در بخش مدیریت افزایش یافت و عدم پاسخگویی و مسئولیت پذیری مدیران بر گسترش بحران افزود. حاکمیت شرکتی نادرست با انتشار ناصحیح، ضعف نظارت و کنترل بسیاری از شرکت های معروف را با بحران های شدید مواجه ساخت (Chiaramonte, et al, 2015). مطالعات صورت گرفته از برخی کشورها نشان می دهد که با ضعف مبانی حاکمیت شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به دنبال آن سرمایه گذاری مستقیم داخلی و خارجی تنزل یافته و مخارج دولت افزایش و رشد اقتصادی کاهش می یابد. راهکار مقابله با اصول حاکمیت شرکتی غلط می تواند نظام بانکداری تعاونی باشد. بنابراین رهیافتی نوین در تدوین مبانی واقعی بانکداری شرکتی و شرکت داری بانکها تدوین اصول بانکداری تعاونی مطابق با اصول حاکمیت شرکتی است.

با توجه به کمبود منابع در زمینه بانکداری تعاونی و ساختار آن به اجبار با استفاده از نظرسنجی در نمونه اتخاذی از نخبگان سیستم بانکی و ارائه چند الگو در خصوص موضوع این پژوهش، در نهایت الگوی شکل ۱ بین اصول و مبانی ناب تعاون، حاکمیت شرکتی، واسطه گری مالی، بانکداری، شرکت داری بانکی و بانکداری

شرکتی انتخاب شد. بنابراین ساختار ارتباطی بین عوامل و فاکتورهای مذکور را می توان بصورت شکل ۱ تبیین نمود که ماحصل مباحث طرح شده در پژوهش حاضر است و صحت آن به همراه جزئیات بیشتر در مقالات آتی با استفاده از روشهای آماری و آزمون های مختلف مورد بحث قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است در بین ۵۰ کارمند ارشد از مجموعه کارکنان ستادی بانک توسعه تعاون و مدیران میانی و کارشناسان خبره و بین ۵ الگو پیشنهادی و برقراری ارتباط بین موضوعات، در نهایت الگوی شکل ۱ با بیشترین آرا انتخاب شد که در پژوهش های آتی به بررسی و صحت کمی آن خواهیم پرداخت.



شکل ۱. ارتباط بین بانکداری تعاونی، حاکمیت شرکتی و واسطه گری مالی

بانکداری شرکتی و شرکت داری بانکی با استفاده از مفاهیم تعاون و اصول و ساختار حاکمیت شرکتی ما را به سمت بانکداری تعاونی و حداکثرسازی سود و منافع مشتریان حقیقی و حقوقی رهنمون می سازد. بنابراین می توان بانکداری تعاونی را برآیند بانکداری متعارف و واسطه گری مالی، مبانی حاکمیت شرکتی و مفاهیم ناب تعاون عنوان نمود.

۱-۴- نقش حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری تعاونی

بانکداری تعاونی، ضمن اینکه درصدد حفظ اصول اسلامی تعاون بوده، با چالش های توسعه بین المللی مواجه است. علیرغم رشد سریع سیستم بانکی از میانه دهه ۱۹۷۰ و افزایش حضور بانکها در بازارهای مالی جهانی، مباحث اندکی در زمینه تقویت حاکمیت شرکتی در بانکداری تعاونی مطرح شده است (Groeneveld, 2011). با این وجود، تحلیلگران بانکداری اسلامی درصدد تطبیق حاکمیت شرکتی رایج در بانکداری مرسوم با الگوی های موجود در اقتصاد تعاونی برآمده اند. تاکنون تئوری دو مدل از حاکمیت شرکتی ارائه شده است. نوع اول، مدلی است که هدف آن منحصراً حداکثرسازی منافع سهامداران است. مطابق با مدل اول، اگر هدف حداکثرسازی ارزش منافع سهامداران با منافع سایر ذینفعان در تعارض باشد،

سایر منافع ذینفعان شرکت نادیده انگاشته می‌شود. نوع دوم، مدلی است که برعکس مدل اول، تأکید آن بر حفاظت از منافع سایر ذینفعان است (Jain, Gupta, 20012).

حال پاسخ به اینکه سایر بخش‌ها در نظام بانکداری تعاونی چه بخش‌هایی هستند، لزوم رعایت حقوق مشتریان را آشکارتر خواهد ساخت. کارکنان بانک‌ها از ذینفعان سیستم بانکداری تعاونی هستند که مشارکت آنها به منظور بهبود عملکرد و افزایش کارایی بانک ضروری است و مزایای پرداختی به آنها، هر دو توسط ساختار انگیزشی بانک تعیین می‌شود. با بهبود عملکرد بانک، حق‌الزحمه آنها افزایش و اثر انگیزشی تقویت می‌شود. سیستم مالی نیز خود یک ذینفع است، زیرا ناتوانی بانک‌های عمده می‌تواند باعث ایجاد بحران و آسیب‌رسانی به کل اقتصاد شود. دولت هم یک ذینفع است، زیرا عملکرد مؤثر بانک‌ها می‌تواند منافع زیادی را برای دولت به همراه داشته باشد. همچنین اقتصاد جامعه یک ذینفع بزرگ است، زیرا عملکرد غیرمؤثر سیستم مالی می‌تواند اثر معکوسی در تمام بخش‌های اقتصاد و جامعه از طریق بی‌ثباتی و کاهش نرخ رشد اقتصادی ایجاد کند. بنابراین در یک نظام مشخص به صورت سلسله‌مراتبی ذینفعان به یکدیگر مرتبط می‌شوند (پوررشیدی، ۱۳۹۲).

ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند برای هدایت و کنترل بانک‌های تعاونی، به شیوه‌ای که بتواند حافظ منافع تمام ذینفعان شود، باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود. هزینه‌ها یک مبحث بسیار مهم در حاکمیت شرکتی تلقی می‌شوند، زیرا اگر هزینه‌ها افزایش یابند، دیگر نمی‌توان از منافع ذینفعان به‌طور منصفانه حفاظت کرد. در نتیجه اگر مشتریان از عملکرد بانک رضایت نداشته باشند، منجر به از بین رفتن اعتماد آنها به این سیستم می‌شود و در نهایت رشد نامطلوبی را در بخش مالی و کل اقتصاد شاهد خواهیم بود. تشدید تعارض منافع منجر به بروز مشکلات متعددی خواهد شد، این درحالی است که در بانکداری مرسوم، تعارض منافع عموماً بین سهامداران و مدیریت ایجاد می‌شود. در بانکداری اسلامی، بعد مهم دیگر، بروز تعارض در منافع سپرده‌گذاران با سهامداران (مالکان) است. بنابراین باید به دنبال راه‌حل مطلوبی برای تقویت حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری تعاونی باشیم تا ضمن حفاظت از منافع سپرده‌گذاران، شرایط رعایت ضوابط بانکداری بدون ربا در راستای کاهش تضاد طبقاتی ایجاد گردد. بر این اساس پیشنهاد الگوی مؤثر در سیستم بانکداری ایران در بخش بعد ارائه خواهد شد.

۲-۴- پیشنهاد الگوی مؤثر در سیستم بانکداری ایران

با توجه به اینکه سیستم بانکداری ایران بر پایه دو قانون پولی و بانکی و قانون عملیات بانکی بدون ربا بنا نهاده شده است، باید الگوهای پیشنهادی حاکمیت شرکتی مؤثر در سیستم بانکی مطابق با دو قانون مذکور و ساختار بخش تعاون باشد. الگوهای رایج حاکمیت شرکتی در بانکداری مرسوم جهانی که براساس نظام دریافت و پرداخت بهره استوار است، مورد قبول جوامع اسلامی از جمله ایران نیست. علیرغم اینکه در بسیاری از کشورهای غربی سود سپرده و تسهیلات کمتر از ایران است، الگوبرداری از حاکمیت شرکتی، نظیر

آنچه در کشورهای غربی مرسوم است به جهت تفاوت ماهوی با سیستم بانکداری اسلامی، در ایران کارآیی چندانی نخواهد داشت.

اگرچه نکات مشترک زیادی میان نظام بانکداری مرسوم و تعاونی را برای تقویت حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری تعاونی وجود دارد، اما اجرای این الگوها بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های بنیادین میان دو نظام بانکداری، نه تنها باعث اجرای اصول حاکمیت شرکتی نخواهد شد بلکه باعث تشدید مشکلات مربوطه در بانک‌ها می‌شود، زیرا منافع مشتریان در بانکداری مرسوم با تعیین نرخ بهره از قبل مشخص شده تأمین می‌شود، در حالی که در سیستم بانکداری تعاونی اعمال این روش‌ها مغایر با اصول اسلامی می‌باشد. در ادامه به جهت ارتباط موضوع تاسیس بانک سرمایه‌گذاری متقابل و به کارگیری الگوی حاکمیت شرکتی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱-۲-۴- تأسیس بانک سرمایه‌گذاری متقابل و به کارگیری الگوی حاکمیت شرکتی

بانک سرمایه‌گذاری تعاونی متقابل نوعی از واسطه‌گرهای مالی محسوب می‌شود که بر اساس آن افرادی که سپرده‌های جاری را نزد این واسطه‌گرهای مالی نگه می‌دارند، مالکان اصلی این بانک محسوب می‌شوند. معمولاً ارزش اسمی سپرده‌های نگهداری شده نیز ثابت نبوده و مخاطره این سپرده‌ها با تشکیل سبد سرمایه‌گذاری تحت پوشش قرار می‌گیرد. امروزه، ظهور و گسترش بانک‌های سرمایه‌گذاری متقابل، تحولی شگرف در سیستم بانکداری و مؤسسات مالی ایجاد کرده است که به منظور عدم مداخله دولت در امور اقتصادی تاسیس می‌شوند. بنابراین ترکیب ترازنامه بانکهای سرمایه‌گذاری با سایر بانک‌ها متفاوت بوده و هر دو قسمت دارایی و بدهی ترازنامه آنها به جهت ترکیب دارایی‌های آنها متفاوت خواهد بود. در بخش بدهی، سپرده‌های بانک سرمایه‌گذاری متقابل به‌عنوان مطالبه پرتفوی دارایی بانک است. از سوی دیگر، این‌گونه بدهی‌ها ممکن است باعث نوسان‌پذیری ارزش اسمی سهام بانک براساس تغییر ارزش سبد دارایی‌ها شود و در بخش دارایی نیز طیف گسترده‌ای از دارایی‌ها از جمله سهام، اوراق قرضه، اوراق تجاری، کالاها و هر آنچه به‌عنوان ابزار سرمایه‌گذاری مطرح است، قرار دارد. بنابراین می‌تواند به‌عنوان الگویی در تدوین حاکمیت شرکتی مطرح گردد (Hess, Chak, 2007).

ساختار حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی و تعاونی بر اساس مجموعه قوانین شریعت اسلامی و بخش تعاون کاملاً متفاوت با بانکداری مرسوم است. وجوه تمایز بانکداری اسلامی و تعاونی با بانکداری مرسوم را شاید بتوان در عدم به‌کارگیری معاملات بر پایه بهره (ربا)، اجتناب از فعالیت‌های اقتصادی که در برگیرنده قمار باشد و منع ارائه خدماتی که با الگوی ارزش اسلامی مغایرت دارد، دانست (داوری، ۱۳۹۰). همان‌طور که اشاره شد، اگر بانک‌های اسلامی بخواهند قوانین شریعت اسلامی را رعایت کنند، تعارض منافع میان سپرده‌گذاران و سهامداران به‌وجود می‌آید و حاکمیت شرکتی را در سیستم بانکی تضعیف می‌کند. بنابراین شاید بتوان بهترین روش برای رعایت انصاف میان سپرده‌گذاران و سهامداران را در شرایط اجرای عقود اسلامی در سیستم بانکی و استفاده از برنامه هموارسازی بازده‌های حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها دانست. برنامه

هموارسازی بازده و ریسک را می توان با تضمین پوشش زیان و سود سپرده گذاری، تا حد متعارف تبیین نمود که نیازمند تحقیق میدانی و فراهم سازی زیرساختهای مربوط به آن است.

اجرای این برنامه علاوه بر از بین بردن تعارض منافع میان دو گروه یادشده، باعث مدیریت بهتر ریسک در سیستم بانکی خواهد شد، زیرا در این شرایط تعادل مناسبی میان ریسک و بازده مورد انتظار ایجاد خواهد شد و نگرانیهای دارندگان حساب سرمایه گذاری (سپرده گذاران) از نحوه استفاده از سرمایه گذاری وجوه آنها کاهش می یابد. با به کارگیری این روش، هر چند سپرده گذاران نقشی در انتخاب هیأت مدیره و مدیریت ارشد بانک ندارند، اما انتخاب اعضای هیأت مدیره از سوی سهامداران برای حداکثرسازی منافع شان و نظارت بر عملکرد آنها در واقع ضامن منافع سپرده گذاران نیز خواهد شد، زیرا سود حاصله از فعالیت های بانک به صورت عادلانه میان هر دو گروه تقسیم می شود (بت شکن، ۱۳۹۰).

۵- نتیجه گیری:

برقراری اصول و مبانی حاکمیت شرکتی و تعاونی بصورت همزمان در سیستم بانکی به نحو مطلوب باعث افزایش کارایی، کاهش ریسک مالی و افزایش ثبات آنها می شود. در صورت اجرای دقیق حاکمیت شرکتی و تعاونی، تأمین مالی بانکها از منابع داخلی و خارجی تسهیل می شود، به نحویکه ارائه کنندگان تسهیلات و سرمایه گذاران میل و رغبت زیادی برای تأمین مالی بانکها پیدا می کنند. زیرا بانکها در جهت رسالت خود و بر اساس اجرای حاکمیت شرکتی و تعاونی منافع بیشماری را علاوه بر موارد یادشده برای مشتریان و بانکها به ارمغان می آورند. بنابراین نرخ هزینه سرمایه آنها از طریق کاهش ریسک مربوط به سهامداران و سپرده گذاران کاهش می یابد و عملکرد عملیاتی آنها بهبود یافته و باعث افزایش شدت مقاومت بانکها در برابر شوک های اقتصادی خواهد شد. اجرای حاکمیت شرکتی و تعاونی مطلوب در شبکه بانکی می تواند مسیر اجرای حاکمیت شرکتی را در سایر بخش های اقتصاد هموار سازد. یک برنامه حاکمیت شرکتی و تعاونی مؤثر یک نوع ابزار قوی ضد فساد و رشوه گیری است. شفاف سازی و افشای مالی به موقع، تأثیر بسزایی بر رشد شبکه بانکی دارد و بر توانایی آنها برای رقابت با بانک های بین المللی می افزاید. ماحصل اینکه اجرای حاکمیت شرکتی و تعاونی در بانکها تأثیر قابل ملاحظه ای در توسعه اقتصادی کشور دارد و حتی اجرای آن در سیستم بانکی بسیار حیاتی تر از سایر سازمانها است.

۶- منابع:

- ۱- دیویس، پ. (۱۳۸۵). مدیریت منابع انسانی در تعاونی ها- نظریه فرآیند و اجرا. ترجمه اصغر بیات. تهران: انتشارات پایگان.
- ۲- رستمی شهر بابکی، ح. (۱۳۸۸). تعاون و سرمایه اجتماعی. تهران. فرهنگ دهخدا.
- ۳- شیخی، م. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اعضای تعاونی های کشاورزی. ماهنامه تعاون، شماره ۱۴۷، ۴۲-۴۶.
- ۴- کیمبرلی، ز. و کراپ، ر. (۱۳۸۵). اصول و رویکرد تعاون در قرن بیست و یکم. ترجمه مرجانه سلطانی. تهران: انتشارات پایگان.

- ۵- نظام شهیدی، م. علیزاده اقدم، ر. (۱۳۷۸). اصول مدیریت تعاونی ها. تهران: نشر لادن.
- ۶- مستعانی، م. (۱۳۷۸). رضایت اعضا کلید موفقیت تعاونی ها. ماهنامه نعاون، دوره جدید، ۹۸، ۴-۵.
- ۷- کرمی، ش. و علی بیگی، ا. ح. (۱۳۹۲). شناسایی و اولویت بندی عوامل تاثیرگذار بر توسعه تعاونی های تولیدی کشاورزی. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۳(۱۰)، ۱۱۱-۱۴۱.
- ۸- سیلوارجو، آر. (۱۳۸۴). بی تفاوتی اعضا و عوامل موثر بر عدم مشارکت آنها در فعالیت تعاونی. ماهنامه تعاون، شماره ۱۷۳، ۳۰-۳۲.
- ۹- پاتنام، ر. (۱۳۷۷). دموکراسی و سنت های مدنی. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- ۱۰- وزارت امور اقتصادی و دارایی. (۱۳۹۲). پایگاه اطلاع رسانی اصل ۴۴ قانون اساسی.
- ۱۱- دآوری، م. (۱۳۹۰). حاکمیت شرکتی در بانکها و نقش بانک مرکزی در اجرای آن. پایگاه خبری بانکداری الکترونیک.
- ۱۲- بت شکن، م. (۱۳۹۰). بانکداری شرکتی، پیوند بازار پول و سرمایه. پژوهشکده پولی و بانکی.
- ۱۳- محمودی، م. (۱۳۸۷). شرکت های تعاونی رویکردی مناسب برای کارآفرینی و اشتغال. بازیابی شده از وب سایت کارآفرینان به نشانی <http://WWW.Karafarinan. Ir>
- ۱۴- آزاد ارمکی، ت. مبارکی، م. و شهبازی، ز. (۱۳۹۱). بررسی و شناسایی شاخص های کاربردی توسعه اجتماعی. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۱(۱)، ۳۰-۷.
- ۱۵- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۲). بازیابی شده در ۱۵ مرداد ماه ۱۳۹۱ از <http://mcls.gov.ir>
- ۱۶- زارع احمدآبادی، ح. و شاکری، ف. (۱۳۹۰). بررسی فرهنگ سازمانی بر کارآفرینی شرکتی در بنگاه های کوچک و متوسط (قلمرو مطالعه، بنگاه های کوچک و متوسط استان یزد). مجله مدیریت فرهنگ سازمانی، ۲۳(9)، ۵۱-۶۹.
- ۱۷- نظام شهیدی، م. (۱۳۸۰). اصول مدیریت تعاونیها. تهران. ناشر روشنگران نصر.
- ۱۸- نامخ، پ. (۱۳۷۷). مدیریت تعاونیها. تهران. نشر آروین.
- ۱۹- پوررشیدی، ر. اسدی، ح. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه فکری و اجرای بانکداری الکترونیک در تعاونی اعتبار ثامن. همایش ملی دانشگاه کارآفرین (صنعت دانش محور).
- ۲۰- هفرنان، ش. (1382). بانکداری نوین در تئوری و عمل. اداره تحقیقات و برنامه ریزی بانک سپه، تهران.
- ۲۱- ابونوری، ع. سجادی، س. محمدی، ت. (۱۳۹۲). رابطه بین نرخ تورم و نرخ سود سپرده های بانکی در سیستم بانکداری ایران. فصلنامه سیاستهای مالی و اقتصادی. سال اول شماره ۳. ۲۳-۵۲.
- ۲۲- نوری بروجردی، پ. جلیلی، م. مردانی، ف. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر تمرکز و سایر عوامل به سود اوری بانکهای دولتی. فصلنامه پول و اقتصاد. شماره ۵.

- 23- Gupta, J. ,& Jain, S. (2012). A study on Cooperative Banks in India with special reference to Lending Practices. International Journal of Scientific and Research Publications. Volume 2, Issue.
- 24- Hess, H. & Chak, M. (2007). Cooperative Banks and Financial Stability. IMF Working Paper.
- 25- Groeneveld, H. (2011). The Cooperative Banking Model Performance and Opportunities. Manuscript.
- 26- Satgar, V. (2003). Comparative Study-Cooperative Banks and the Grameen Bank Model. Executive Director of the Co-operative and Policy Alternative Center(COPAC).
- 27- Basel Committee on Banking. (2010). Principles for enhancing corporate governance.
- 28- Guide and Code of Banking Practice Guide HSBC Bank Australia. (2012). Corporate Banking Financial Services.
- 29- Lang, G. & Welzel, P. (1996). Efficiency and technical progress in banking Empirical results for a panel of German cooperative banks. Journal of Banking & Finance, Volume 20, Issue 6, July, Pages 1003–1023.
- 30- Chiamonte, L. ,Poli, F. & Ercoleoriani, M. (2015). Are Cooperative Banks a Lever for Promoting Bank Stability? Evidence from the Recent Financial Crisis in OECD Countries. European Financial Management, Volume 21, Issue 3, pages 491–523.
- 31- Clerides, S., Manthos, D. & Kokas, S. (2015). A New Data Set On Competition In National Banking Markets. Financial Markets, Institutions & Instruments, Version of Record online.
- 32- Fiordelisia, F. Salvatore, D. & Marec, D. (2013). Probability of default and efficiency in cooperative banking. Journal of International Financial Markets, Institutions and Money, Volume 26, Pages 30–45.

The pattern of cooperative banking system based on the principles of corporate governance and corporate concepts

keywords: Cooperative banking, corporate banking, corporate governance, joint ownership

The pattern of cooperative banking system based on cooperative principles and concepts of corporate governance in accordance with the principles of joint ownership, along with the introduction of an appropriate structure based on the principles of Islamic banking and arises due to the nature of the cooperative banking. So the joint relationship between corporate governance, entrepreneurship Cooperative Banks and Banking is created using the concepts of genuine cooperation the new approach toward fulfilling the objectives of the cooperative sector in the economy and it would be unfair division of wealth through fundamental change in the cooperative sector and banking cooperatives and the subsequent economic prosperity in order to non-inflationary exit from recession will be created which will be discussed in this article. Also benefit from the principles of corporate

governance and its integration with Lean concepts of cooperation could lead to a boom business in the cooperative banking industry according to ensuring efficiency and hedge investors created by the structure of the banking system to the investment attractiveness will be discussed in this article introduces the basic structure. So the property of a recession due to the blocking of resources through banking and other sectors of economic weakness in resource mobilization by taking advantage of modern concepts of corporate banking with corporate governance principles is subject to challenge which can be important in determining the cooperative banking strategy and justifications thriving business based on production and condominiums provide.